

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

نورالله وثوق
پنجشنبه - ۱۳۸۹/۱۱/۲۰

رقص دوره ئی

پایگاه

ولو تا ناکجاها غرق آهیم
به شیرینی به هر تلخی پناهیم
سفر در قلۀ آسودگی چیست
خطر را تا بخواهی پایگاهیم

سنگین نگاهان

چه می گیری سراغ جاده اینجا
معطل تا به کی استاده اینجا
به زیر بار این سنگین نگاهان
اتوبانها ز پــــا افتاده اینجا

صدای روشن

چه دیدی این همه نادیده ها را
غلامان دری از بن خطا را
صدای روشن این تیرگیها
کشانده در کدامین جاده ما را

طوفان سونامی

برنگی پای در کفش حیا کن
ز نیرنگ و جدل دل را رها کن
مشو همدست طوفان سونامی
کمی فکری به حال غنچه ها کن

نومسافر

چرا گم کرده ای جاده ره را
نمی بینی سرافرازی چه را
نگفتی بر سر این نومسافر
چه کس آورده این روز سیه را

غرق سَراب

تباهی و تباهی و تباهی
سحر خم کرده سر پیش سیاهی
درین ظلمتسرا غرق سرابیم
دریغ از قول بارانهای واهی

لبان پستگی

رها کن نغمه وابستگی را
بنه برهم لبان پستگی را
سخنگوی نهاد آرزو شو
روانی کن روان خستگی را

جاده های سنگ

تپیدن در صدای جنگ از چیست؟
دروغین طرفه های ننگ از چیست؟

به زیر پای سرگردانت ای گیج
سپردن جاده های سنگ از چیست؟

رقص دوره ئی

نواها را اگرچه بوی خامیست
به رقص دوره ئی ما سلامیست
میان پرده این تازه کاران
مقام نغمه قول غلامیست

غروب غرب

به گـرداب تحیر غرق تا چند؟
زدن هر لحظه ای بر فرق تا چند؟
غریو هر غـروبی را شنیدن
بریـدن از صدای شرق تا چند؟

خیس خیس

سراب است و ز موجش خیس خیسیم
میان او مثال فـرش کیسیم
به دریاها ز خـالی بندی دل
پیام آشنائی می نویسیم

عادتِ ماهانه

به دوش ما سماجت بار گشته
میان ما و دل دیوار گشته
سماجتِ عادتِ ماهانه ماست
ز بس سرگستگی تکرار گشته

.....